

# پارچه بافی

## مطالعه پارچه های تزیینی

### (زربفت و پته دوزی)

نوشین تدین طهماسبی

## تاریخچه پارچه

### تاریخچه پارچه در جهان:

بافتگی از قدیمی ترین صنایع دستی بشر به شمار می رود. بشر اولیه از ابتدای شروع زندگی پس از رفع نیاز خوردن و آشامیدن به فکر پوشش خود افتاد تا علاوه بر پوشیدن بدن در مقابل تغییرات جوی نیز محفوظ بماند. این نیاز ابتدا با استفاده از پوست حیوانات شکار شده تأمین شد تا به مرور بشر با مشاهده پشم گوسفندان و سایر الیاف به فکر تابیدن الیاف و تولید نخ افتاد. به دلیل خصوصیات فیزیکی الیاف و منسوجات و آسیب پذیری آنها از حشرات و آب و هوا. نمونه های ماقبل تاریخ منسوجات بسیار نادر است. اما دستگاههای اولیه بافتگی به دلیل چارچوب محکمترشان ماندگاری بیشتری داشتند و محققان توانستند با بررسی این آثار به جا مانده به یافتهی تازه های از تاریخ پارچه و ریسندگی دست یابند. قدیمیترین آثار به جا مانده از بافتگی به عصر حجر یا سنگ در حدود ۵ هزار سال قبل از میلادی میرسد. در مصر باستان پنبه، پشم، ابریشم و کتان به کار برده میشود.

پنبه سه هزار سال قبل از میلاد در هندوستان تولید و مصرف می شد و ابریشم نیز به استناد تقویم های چینی تقریباً در همین دوران ثبت گردیده است.

### پارچه بافی :

پارچه بافی پیشروترین صنعت ایران و دنیای اسلام بوده که بتدریج بسیار گسترده شده و حجم تولید و شمار شاغلان آن پیوسته افزایش یافته است بخشی از صنعت نساجی که زیر نظر مقامات بالای دولت بود پارچه و تزئینات مخصوص پوشاک خلفا و امیران سران لشکر مقامات بالای دولتی و همچنین انواع جامه های اهدایی از طرف دستگاه دولت را تولید می کرد و بخش دیگر تولید کنندگان گروههای آزاد بودند که تولید خود را به دولت یا مستقیماً به بازرگانان می فروختند. بعد از آنکه خلفای عباسی بغداد را مرکز خلافت قرار دادند و آرامشی در سراسر جهان اسلام برقرار شد بتدریج مراکز سنتی پارچه بافی ایران چون شهرهای خوزستان فارس خراسان و ماوراء النهر اعتبار خود را به دست آوردند توجه و ارزشی که دین اسلام برای اهل حرفه و صنعت حمایت می کردند در شهرها در فاصله سده سوم و چهارم صنعتگران آزاد از سازمان منظم صنفی برخوردار بودند در کنار تولید کنندگان کوچک شهر کارگاههای بزرگی متعلق به دولت یا مالکان بزرگ وجود داشت مثلاً علی بن احمد راسبی در خوزستان هشتاد دستگاه کارگاه بافتگی را تملک داشت در این کارگاهها پارچه های ابریشمی و جز آن تولید می شد مسلمانان کارگاههای دولتی پارچه بافی را خصوصاً در امپراتوریهای روم شرقی و ساسانی در هم ادغام کردند و خراج سالانه خلفا و امرا شامل پارچه ها و جامه های هر محل نیز می شد بر اساس آثار نویسندگان سده چهارم کارگاههای شهرهای ایران در تولید انواع پارچه های ابریشمی پشمی پنبه ای و کتانی بسیار فعال و پررونق بود. پارچه های کتانی کازرون که مهر محل بر آنها زده می شد در تمام بازارهای آسیای میانه و مصر بدون بازرسیبه فروش می رسید. پارچه های پنبه ای از نوع خشن و

ظریف در اصفهان ری همدان قزوین قم و نیشابور تولید می شد و در سده های چهارم و پنجم بتدریج پنبه جای کتان را گرفت پارچه های ابریشمی در ری قزوین دامغان اصفهان و شیراز و با تارهای طلا و نقره در شوشتر شیراز فسا اصفهان و ری بافته می شد شوشتر به دلیل ابریشمینه های رومی اش شهرت داشت . در فسا بافندگان پارچه پرده ای مخصوصی از ابریشم و پشم با شمشه ها و حاشیه ها برای امیر وقت تولید می کردند .

در اوایل قرن چهارم در خوزستان دهها کارگاه دایر بود و شوش و اهواز پارچه های پنبه ای مخصوص عمامه و ابریشمینه برای انواع جامه و چادر و روسری تولید می کردند در اهواز فوطه های ابریشمین با کیفیت عالی برای زنان بافته می شدو کازرون ابریشمینه محلی پیراهن و روسری پنبه ای پارچه های کتانی و کرکی به اطراف صادر می کرد در ازجان فوطه و پارچه های کندکیه تولید می شد خراسان و ایلات شمالی بخصوص گرگان و مازندران و گیلان نیز در سده های چهارم و پنجم بتدریج پنبه جای کتان را گرفت پارچه های ابریشمی در ری قزوین دامغان اصفهان و شیراز و با تارهای طلا و نقره در شوشتر شیراز فسا اصفهان و ری بافته می شد شوشتر به دلیل ابریشمینه های رومی اش شهرت داشت در فسا بافندگان پارچه پرده ای مخصوصی از ابریشم و پشم با شمشه ها و حاشیه ها برای امیر وقت تولید می کردند.

در اوایل قرن چهارم در خوزستان دهها کارگاه دایر بود و شوش و اهواز پارچه های پنبه ای مخصوص عمامه و ابریشمینه برای انواع جامه و چادر و روسری تولید می کردند در اهواز فوطه های ابریشمین با کیفیت عالی برای زنان بافته می شد و کازرون ابریشمینه محلی پیراهن و روسری پنبه ای پارچه های کتانی و کرکی به اطراف صادر می کرد در ازجان فوطه و پارچه های کند کیه تولید می شد خراسان و ایالات شمالی بخصوص گرگان و مازندران و گیلان نیز در سده های چهارم و پنجم از مراکز مهم تولید پارچه و و ابریشم سیاه و پرده گرگان شهرت داشتند در ساری نیز پارچه های فاخر حریر بافته می شد در نیشابور و مرو بهترین پنبه و پارچه با تارهای نخی یا ملحم تولید می شد و مرو به سبب بافت بهترین پارچه سیاه شعار عباسیان و ابریشمینه های کتیه دار برای عمامه شهرت یافته بود در سفد پارچه هایی به شیوه ابریشمینه های ساسانی می بافتند و با چین دادو ستد می کردند بخارا در دوره ساسانی بازاری برای تجارت پارچه ابریشمی انواع نخی نازک معروف به چیت موصلی و نوعی پارچه ضخیم معروف به زندنجی بود در دوره سامانی خراسان و ماوراءالنهر نه تنها بیش از هر جا هویت طرحهای ایرانی را مصون نگاه داشتند تا به نسلهای آینده برسد بلکه تاثیر عمیقی بر صنایع پارچه بافی دیگر ملت های اسلامی برجا گذارند.

آل بویه که در سده های چهارم و پنجم بر تمامی ایران و عراق عرب غیر از خراسان سلطه داشتند در رونق بخشیدن به شهرهای آمل ری اصفهان شیراز و شهرهای خوزستان کوشیدند در اصفهان پارچه های ابریشمی و پنبه ای پارچه های عنابی وشی حله ابریشمی ملحم انواع کرباس و سقلاطون تولید می شد .

## رنگری:

رنگ رزی و چاپ نخها و پارچه ها از قدیم الایام وجود داشته و آثاری از پارچه های رنگ شده در خرابه های روم مربوط به دو قرن قبل از میلاد یافت شده است.

آثار بدست آمده از هند و چین و مصر وجود چاپ و رنگری پارچه را در سه تا پنج هزار سال قبل از میلاد نشان می داد.

با پیشرفت تمدن و گسترش شهرنشینی به خصوص در مناطق خوش آب و هوا و سرزمین امپراطوریهای بزرگ استفاده از پارچه و صنعت بافندگی رواج روز افزون یافت. این امر نه تنها برای اشراف و طبقه بالای جامعه مشهود بود بلکه برای عامه مردم نیز مصارف گسترده ای داشت.

مردم مناطق مختلف جهان با توجه به ویژگیهای بوم و جغرافیای خود از الیافی برای بافتن پارچه ها استفاده میکردند که در اطرافشان یافت میشد. و به همین دلیل گاه معروفیت و شهرت یک پارچه از روی بوم و جغرافیای تولیدش شناخته می شد. مثل ابریشمی که از چین میآمد. یا پارچه دیبایی که در امپراطوری روم تولید می شد.

تا قرن ۱۹ کلیه پارچه ها از الیافی بدست میآمد که ریشه در طبیعت اطراف انسان داشت. این الیاف طبیعی که به سه گروه الیاف گیاهی، حیوانی و معدنی تقسیم بندی میشوند، پارچه هایی را فراهم میآورند که بواسطه پیشرفت صنعت بافت و رنگری در انواع شکلهای و رنگهای گوناگون به تولید و مصرف عموم می رسید اما در قرن نوزدهم برای اولین بار انسان به دست به ساخت الیافی زد که دست ساخته خودش بود و در طبیعت یافت نمی شد.



اولین الیاف مصنوعی یکسره در فرانسه و از نیترو سلولز ساخته شد. در آلمان نیز روش کوپر و آمونیم ابداع شد. در سال ۱۸۹۲ میلادی دانشمندان موفق به تهیه ویسکوزوریون شدند. پس از جنگ جهانی اول استات سلولز به صورت تجاری مورد بهره برداری قرار گرفت و در سال ۱۹۳۸ نایلون ساخته شد و پس از جنگ دوم بهبود کیفی فراوان یافت. الیاف پلی استر نیز در سالهای دهه پنجاه مورد استفاده واقع گردید.

منسوجات قابل استفاده از این الیاف اگرچه از نظر قابلیت، شستشو و دوام دارای کیفیت بالاتری هستند لکن فاقد گرمای پشم خنکی پنبه و زیبایی ابریشم می باشند. پس از این دوران استفاده از پارچه در تمام شئون زندگی انسان مدرن... گسترش روز افزون یافت. و با توجه به تولید مصنوعی آن نیز تنوع فراوانی در شکل نوع بافت و رنگ پارچه به وجود آمد. با پیشرفت صنایع پتروشیمی و همچنین صنایع وابسته به انرژی اتمی پارچه هایی با قابلیت های ویژه به وجود آمد که در صنایع مختلف به کار می رفت.



## تاریخچه پارچه در ایران:

پیشینه بافت پارچه در ایران به هزاره‌های پیش از میلاد می‌رسد. نمونه‌های قدیمی بسیاری نیز در کاوش‌ها به دست آمده است.

دوک نخریسی اولین وسیله پارچه بافی است که الیاف را به نخ تبدیل می‌کند. تکامل این وسیله نقش مهمی در پیشرفت فن نساجی داشته و مقدمه پیدایش چرخ نخ ریسی بوده است. یافته‌های باستان‌شناسی نشان‌دهنده استفاده دوک از دوره نوسنگی است. در بسیاری از محوطه‌های باستانی عصر نوسنگی ایران دوک‌های متعددی یافت شده‌اند. مهری به دست آمده از محوطه چغامیش خوزستان متعلق به ۳۳۰۰ ق م زنی را در حال نخریسی نشان می‌دهد. دستگاه بافندگی وسیله بعدی است که تاریخ ابداع آن به اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. بر روی مهری که از شوش به دست آمده است، دو نفر در کنار دستگاه بافندگی نقش شده‌اند که نشان‌دهنده وجود این حرفه در آغاز عصر شهرنشینی است. این دستگاه یکی از دستاوردهای تاریخ تمدن است که تمدن‌های ایران، چین، سوریه و مصر در تکامل آن سهم بسزایی داشته‌اند. کار دستگاه بافندگی در هم تنیدن تار با پود است. دستگاه بافندگی تارها را به حالت کشیده نگاه می‌دارد تا پودها را به آن ببافند. نخستین بافته یافت شده از تپه یحیی در کرمان، متعلق به هزاره پنجم قبل از میلاد و از نخ‌هایی است که از الیاف حیوانی به دست آمده‌اند.

### دوره هخامنشیان:

نساجی ایران در این دوره به ویژه در بافت پارچه‌های ابریشمی، پشمی نرم و لطیف مشهور بوده و شاهان هخامنشی به داشتن لباس‌های زیبا و فاخر شهرت داشتند. اسکندر مقدونی با همه دشمنیش با ایرانیان، بنا به نوشته‌های هرودوت و پلوتارک از هنگام ورود به ایران تا هنگام مرگش، لباس‌های زربفت ایرانی بر تن می‌کرد..

### دوره اشکانیان:

پس از نابودی هخامنشیان، دیگر آن شکوه و بزرگی در صنایع و هنرها، به ویژه در بافندگی، بوجود نیامد... تنها چند تکه از پارچه‌های ابریشمی در سرزمین لولان در چین پیدا شده که در آن روزگار آخرین مرز ایران در شرق دور بوده است..

### دوره ساسانیان:

بسیاری از تاریخ‌دانان بر این باور هستند که این دوره، دوره شکوفایی و طلایی هنر و تمدن ایران بوده است. بسیاری از بافته‌های این دوره در کلیساها و موزه‌های غرب، به یادگار مانده است.

## دوران اسلامی:

پس از یورش تازیان به سرزمین ایران، شیرازهی فرهنگ و تمدن ایران از هم گسیخت به ویژه در زمینهی بافت پارچه‌های زربفت که پوشیدن این پارچه‌ها در اسلام حرام است. این وضعیت اسفبار در ایران ادامه داشت تا زمان سلجوقیان..

## دوران سلجوقیان:

دوران سلاجقه را باید دوران شکوفایی دوباره‌ی هنر ایران دانست. از آن دوره حدود ۵۰ تکه پارچه باقی مانده است که اوج هنر در آنها دیده می‌شود. در این دوره پیچیده‌ترین نقشه‌ها بافته می‌شد.

## دوران مغولان:

پس از سلجوقیان، هنر رو به خاموشی گرایید و یورش مغولان از خاور دور به ایران، همه چیز و همه کس را تا لبه‌ی پرتگاه نابودی پیش برد. در دوران مغولان کشتار و ویرانی چون شبی تاریک بر ایران سایه انداخته بود و بالطبع هنرمندان هم نه مجال برای خودنمایی داشتند و نه حکومت چینی چیزی می‌خواست. هر چند که در اواخر حکومت مغولان اوضاع اندکی رو به بهبود رفت اما هیچگاه شکوه دوران پیشین، تکرار نشد..

## دوران صفویان:

به حقیقت باید گفت دوران صفویان، اوج شکوه و بلندی هنر و تمدن ایرانیان بوده است که پس از اسلام مانند آن دیده و شنیده نشده است. آنان دوباره نام ایران را در اندیشه‌ها زنده کردند. پارچه‌هایی که در دوران شاه عباس بافته می‌شد، در همه‌ی تاریخ مانند ندارد. شاه عباس در اصفهان کارگاهی به نام کارگاه شاهی ساخته و از هنرمندان زری‌باف می‌خواهد تا در آنجا کار کنند. این کارگاه به شکل انحصاری برای دربار شاهی پارچه‌های بسیار نفیس می‌بافت و نام آن شهره‌ی آفاق گشته بود. از این دوران هم نمونه‌های بسیاری باقی مانده که حتی امروز، دیگر کسی نمی‌داند که آن استادان زبردست، این پارچه‌ها را بافته‌اند! با سقوط صفویان به دست افغانها، چراغ هنر ایران هم رو به خاموشی گرایید. افشاریه و زندیه و قاجاریان هم هیچ کاری برای نجات آن انجام ندادند.

## دوران پهلوی:

در دوران پهلوی دیگر کسی خبری از بافت پارچه‌های زربفت و مخملین و گرانبها نداشت. تنها برخی خانواده‌ها پنهانی در خانه خود پارچه‌هایی بافته و پس از کهنه کردن آن به نام پارچه عتیقه، به قیمت گزاف آن را می‌فروختند... کاشان یکی از شهرهایی بود که از آغاز در بافت پارچه‌های گوناگون شهره بود. استاد محمد خان نقشبند این هنر را دوباره زنده می‌کند و فرزندان راه پدر را ادامه می‌دهند. در دوران پهلوی به دلیل نیاز دربار برای لباسهای زربفت چه برای پوشش و چه برای هدیه دادن، بار دیگر بافت پارچه‌های زربفت رونق گسترده‌ای گرفت به ویژه در زمان تاج‌گذاری که لباس‌های دربار باید از این پارچه‌های بافته می‌شد..... با ورود ماشین‌های بافندگی و آسان شدن فن بافت در اوایل دوره

پهلوی، این هنر تقریباً به جز در چند زیرزمین خانه های سنتی کاشان، یزد و اصفهان، در جای دیگری وجود نداشت. تا اینکه خبر بافت پارچه های زرین در کاشان به گوش رضا شاه می رسد و همزمان با گشایش مدرسه صنایع مستظرفه قدیم یکی از استادان بزرگ این رشته به نام محمد طریقی از کاشان به تهران منتقل شد و این رشته رو به نابودی را در شرایط سخت گسترش داد و شاگردان بسیاری تربیت کرد، تا جایی که در سال ۱۳۵۲ در تهران اساتید متخصص در رشته بافت زری و مخمل به بیش از هفتاد نفر رسیده بودند. اما اکنون استادانی کمتر از تعداد انگشتان دست در این رشته فعالیت دارند

دوران جمهوری اسلامی:

پس از انقلاب چون کسی نیازی به این لباس ها نداشت کم کم بافت آنها محدود شد و حتی صادرات آن هم قطع گردید. بسیاری از استادان رفته رفته بازنشسته شده و بسیاری هم چهره در خاک پنهان کردند. بسیاری از دستگاه های بافت، دیگر بافنده ای ندارد و دیر یا زود می شنویم که این هنر ارزشمند و باشکوه ایران، پس از قرن ها برای همیشه نابود گشت و تنها باید در موزه های کشورهای غربی نمونه های آن را ببینیم اکنون تنها در کارگاه زری بافی سازمان میراث فرهنگی کشور در تهران و هنرستان هنرهای زیبای اصفهان و میراث فرهنگی کاشان، نمونه های از انواع زری و مخمل بافته می شود.

## طرح و نقش بر روی پارچه:

ایجاد طرح و نقش بر روی پارچه نیاز به ابزار و مهارت های فنی داشت. به احتمال زیاد، بافت پارچه های طرح دار به شکل طرح دوپودی در جنوب و غرب ایران در حدود دوهزار سال قبل از میلاد رایج شده بود. در این روش دو پود باهم و در یک سازمان به کار می رفتند، یکی برای بافت ساده و دیگری برای جایی که لازم بود طرح بر روی پارچه آورده شود. این روش شکل ساده ای از پارچه مرکب است. کمی بعد از ایران، در چین نوعی بافت رایج شد که اصطلاحاً به آن تار طرح مرکب می گویند. این دو شیوه بافت با روش های چینی از دوره اشکانی در شرق ایران رواج داشت و به تدریج به سوی غرب گسترش یافت. بافندگان ایرانی روش دو تار را به کار بردند، ولی چون به طرح بافت پودی عادت داشتند، روش چینی ها را معکوس کردند و پارچه ای ترکیبی بافتند که طبق طرح یکی از پودها روی پارچه قرار می گرفت. این روش ترکیبی از اوایل دوره ساسانی در ایران رواج یافت و سپس به روم شرقی، سیسیل، ایتالیا و شمال اروپا راه یافت و به نام پارچه های مرکب شهرت پیدا کرد. مهم ترین و بزرگ ترین کارگاه های حریر بافی در زمان ساسانیان در خوزستان، به ویژه شهرهای شوش، شوشتر و جندی شاپور قرار داشتند. علاوه بر خوزستان در خراسان، طبرستان، گرگان، آذربایجان و فارس نیز پارچه بافی رونق فراوانی داشته است.

از دیگر شهرهای معروف این دوران می توان به ری هم اشاره کرد، بافندگان این شهر در بافت نوعی پارچه ابریشمی معروف به «دورو» تبحر بسیاری داشته اند. یکی از معروف ترین پارچه های این دوره، طراز نام دارد. طراز به پارچه هایی اطلاق می شد که حاشیه ای کتیبه دار داشت. در زمان خلافت امویان و عباسیان پارچه های طراز اهمیت ویژه ای داشته، به طوری که کارگاه های بافت این پارچه در جوار



قصر خلفا دایر می‌شد. بر این پارچه‌ها نام و نشانه‌های ویژه خلفا را می‌نوشتند. اهمیت این پارچه به اندازه ضرب سکه یا خواندن خطبه بوده است و از علامت‌های خلع پد این بوده که نام خلیفه‌ای را روی طراز ننویسند. قطعه طرازی در موزه مترو پلینتن نگهداری می‌شود که کتابت آن گلدوزی شده و سال ۲۶۶ هجری در شهر نیشابور بافته شده است. با استیلای مغول‌ها بر ایران، دوران رکودی را در تمامی زمینه‌های فرهنگی، هنری، اقتصادی و... شاهد هستیم. هنر پارچه بافی نیز از این قاعده مستثنی نیست. چنان که مراکز و شهرهای مهم پارچه بافی، با حمله مغول‌ها رو به ویرانی گذاشتند. اما به قدرت رسیدن غازان خان و تدبیرهای رشیدالدین فضل‌الله وزیر او، زمینه‌های فعال شدن کانون‌های هنری فراهم شد. در این زمان ابریشم به عنوان یکی از اقلام صادراتی ایران درآمد. حتی معروف است الجایتو پس از فتح گیلان به جای مالیات از امرای شهر ابریشم می‌گیرد. بعد از این در زمان تیموریان علاوه بر خراسان بزرگ که پیشتر هم در زمینه بافت پارچه شهرت داشت، شهرهای یزد، کاشان، کرمان و تیریز هم در این زمینه بسیار فعال شدند، به طوری که محصولات خود را به سایر نقاط صادر می‌کردند. از نمونه‌های پارچه این دوران تعداد اندکی شناسایی شده است. اما در زمینه هنر بافت پارچه، باید قرون نهم و دهم هجری را عصر طلایی این هنر نامید. در این دوره شهرهای بسیاری به بافت خاص یک پارچه شهرت داشتند. برای نمونه اصفهان مرکز تولید پارچه‌های زربافت و قلمکار بود، یا در کاشان انواع پارچه‌های مخمل و ابریشم بافته می‌شد. گفته می‌شود تنها در یکی از حومه‌های شهر کاشان به نام هارون، هزار نفر کارگر ابریشم باف مشغول کار بوده‌اند. در دوران قاجار هم سیر پیشرفت بافت پارچه را شاهد هستیم، البته نه در حد و اندازه عصر صفوی و تیموری. اما از همین دوران است که ورود پارچه‌های خارجی رونق می‌گیرد، فاستونی و ساتن از جمله پارچه‌هایی محسوب می‌شوند که استفاده از آنها در این برهه متداول می‌شود. معروف است که امیرکبیر در زمان صدارت خود خرید پارچه‌های خارجی را تقبیح کرده و از مردم می‌خواهد از پارچه‌های داخلی استفاده کنند، از همین رو پارچه ترمه‌ای که در آن زمان بافته می‌شده، به شال امیری معروف می‌شود و... شروع سیر قهقرایی بافت پارچه در ایران با ورود اجناس خارجی در عصر پهلوی رقم می‌خورد. یعنی دورانی که واردات انبوه لباس‌های «حاضر و آماده» خارجی باب می‌شود.



## پارچه های منقش:

ایران از نظر پیدایش و سیر تحول و تکامل پارچه های منقش یکی از برجسته ترین ملل جهان است . نخستین شواهد تاریخی مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد در ناحیه سه گابی ( سگابی) کردستان است که در ظروف محتوی اجساد کودکان ، قطعات پارچه یافت شده

در هزاره سوم قبل از میلاد از حفاریهای تپه حصار دامغان و شوش ( خوزستان ) بقایای پارچه هایی که درون مقابر وجود داشته یا به دور اشیاء پجده شده ، همینطور ابزار نساجی مانند دوک نخ ریسی و میله مفرغی مخصوص پارچه بافی بدست آمده است.

هخامنشیان در بافت پارچه های پشمی نرم و لطیف مشهور بوده اند. بافت پارچه هایی که در متن عناصر تزئینی آنها نخهای گلابتون به کار می رفت را به دو هزار سال پیش نسبت داده اند . در دوره ساسانی پارچه بافی ایران شهرت جهانی پیدا کرد . تأثیر هنر پارچه بافی چین ، تکمیل آن به وسیله پارچه بافان ایرانی و انتقال روشهای جدید در چله کشی دستگاه نساجی و بافت از راه ایران به ایتالیا و شمال اروپا در این دوره صورت گرفت.

در دوره اسلامی نقوش حیوانات مانند شیر ، عنقا و عقاب که زربفت شده اند بخصوص از دوره سلجوقی به بعد رایج شد.

از پارچه هایی که در قرون اولیه اسلامی از تار و پود ابریشم و زر و نقوش رنگین بافته می شد می توان به : نگار ، طراز ، ملحم ، سفلاطون ، قصب ، منقل اشاره کرد . در دوره ایلخانیان کارخانه متعدد پارچه بافی در تبریز شیراز ، شوشتر ، نیشابور و طوس وجود داشت و استادان پارچه بافی در بافت پارچه های اطلس ، زربفت و زرکش مهارت داشتند و پارچه های ابریشمی گیلان ، خراسان ، یزد و کرمان بسیار نفیس و گرانبها بود.

در قرن دهم هجری بافته های کارخانه های پارچه بافی نیشابور ، اصفهان ، شوشتر ، شیراز ، کاشان بخصوص یزد دارای ارزش فوق العاده ای بود . پارچه های ابریشمی ، مخمل ، زرباف و پارچه های قلمکار پنبه ای این کارگاهها شهرت داشت.

در دوره صفویه پارچه های زر و سیم باف بخصوص برای لباس بانوان و تزئین معماری داخلی اندرون منازل به کار می رفت . شاه عباس صفوی تمامی هنرمندان زری باف را برای تأسیس کارگاه های زری بافی به اصفهان دعوت کرد که موجب بافت پارچه هایی ارزشمند و متنوع گردید . پارچه های ابریشمی زرباف دارای انواعی چون « پارچه زرباف یک رو ، پارچه زرباف دو رو و مخمل زرباف نقشدار بود که در رنگهای متنوع بافته می شد.

در دوره قاجار به دلیل استقبال از منسوجات ماشینی خارجی ، از میزان تقاضای پارچه های ایرانی کاسته و کارگاههای پارچه بافی رونق گذشته خود را از دست داد . با این حال بافت پارچه های مخمل و زری ، ترمه و شال در یزد ، کاشان و کرمان ادامه یافت.

در دوره پهلوی نشان کمتری از کارگاههای سنتی پارچه بافی در دست است و پارچه هایی چون ترمه و مخمل توسط ماشین های اتوماتیک نساجی بافته می شد که تاکنون نیز به همین منوال ادامه دارد .

## زری بافی:

### تعریف:

"زری پارچه ای است بافته شده از زر" - تارو پود این پارچه از ابریشم و گلابتون است . علاوه بر جنس الیاف ، رنگرزی گیاهی و اصالت طرح و نقش زری موجب شده است که این محصول هنری ارزشمند و منحصر به فرد جایگاه ویژه ای را در هنرهای سنتی ایران به خود اختصاص دهد . پارچه زری در انواع گوناگون : لپه باف ، دارایی و اطلسی بافته می شود . بته جقه ای ، اسلیمی ، اسلیمی ماری ، اسلیمی ماری ، اسلیمی درهم ، گلهای افشان ، ماهی درهم ، مناظر بزم و رزم و شکارگاه رایج ترین نگاره ها در پارچه زری هستند.

### وجه تسمیه:

در فرهنگ دکتر معین آمده است: زری یعنی پارچه‌ی ساخته شده از زر (طلا). پارچه‌ای که پودهای آن از طلا است. زربفت. زری یا زربفت پارچه ای ظریف و بسیار گران بهاست که چله یا تار آن از ابریشم خالص است و پودهای آن ابریشم رنگی و یکی از پودها، نخ گلابتون است که می تواند زرین یا سیمین باشد

### مواد اولیه:

- ابریشم : چله و پود زری از تار ابریشم است که درکارگاه به طریق رنگرزی سنتی - گیاهی رنگ آمیزی می شود تا علاوه بر ثبات رنگ طی سالهای متمادی ، شفافیت و اصالت رنگی خود را حفظ کند.

- گلابتون : یک یا چند رشته ابریشم که نخي از طلا دور آن پیچیده شده باشد . بدیهی است تعداد تار ابریشم به کار رفته ، ظرافت گلابتون را تعیین می کند.

- نخ پلاستیک ، زه گوسفند ، نخ پنبه ای و مقوا برای کارت که در سایر قسمت‌های دستگاه بکار می رود.

## دستگاه و ابزار زری بافی:

در زری بافی دونوع دستگاه وجود دارد . تفاوت دستگاهها در نحوه و طریقه اجرای فرمان در نقش اندازی است.

-دستگاه دستوری : دستور، مقدار نخ معینی است که نقشه بافت به صورت نخ های حلقه ای شکل (گوشواره) در آن تعبیه شده . نخ دستور از نه دسته نخ سه لایه تشکیل شده که به کمک حلقه های فلزی درون یک قاب قرار می گیردو محکم می شود . دستور در قسمت فوقانی دستگاه قرار دارد و شخصی بنام گوشواره کش در این قسمت می نشیند و با کشیدن گوشواره ها " دستور " نقشه را اجرا می کند .

-دستگاه ژاکاردی : در ساختمان این دستگاه ، " ژاکارد" جایگزین "دستور" و گوشواره کش شده است . ژاکارد همان دستگاه کارت خوان نساجی است که توسط مهندس ژاکارد فرانسوی اختراع شد. نقشه پارچه روی کارتهای مخصوص پانچ می شود و به ترتیب رنگها در دستگاه تعبیه می شود و اجرای نقشه را به عهده دارد.



دیگر اجزاء دستگاه زری بافی عبارتند از:

-شلیت : شلیت دسته ای نخ از جنس زه گوسفند یا پلاستیک است که از طرف بالا به دستور یا ژاکارد و از پائین به وردهای نقش بسته می شود . وظیفه شلیت بالا کشیدن ورد نقش با فرمان " دستور " یا "ژاکارد" است.

ورد نقش : یک سری نخ که یک سر آن به شلیت و سر دیگر آن به تار ( چله ) متصل است ورد نقش ، شلیت و ژاکارد مجموعاً عمل " کجو " در گلیم بافی را انجام می دهند.

-چله : تارهای ابریشمین و رنگینی است که یک سر آن به جلوی دستگاه به " نورد" متصل است و سردیگر آن پس از عبور از قرقره بصورت " کلاف تار" (قلب) به کیسه های شن انتهای دستگاه متصل است . کیسه های سنگین شن باعث می شود تا چله ها همواره در حال کشش و نظم قرار گیرند.

-نورد : چوب استوانه ای شکل در عرض دستگاه که سر چله ها به آن متصل است و پارچه بافته شده به دور آن می پیچد . به آن غلتک نیز می گویند . قطر آن در حدود ۴۰ تا ۵۰ سا ننتیتر است.

پدال : پدالها تخته های باریک و بلندی هستند که در قسمت پائین دستگاه ، زیر پای بافنده قرار دارند. تعداد پدالها بسته به نوع پارچه و تعداد وردهای دستگاه متغیر است . در پارچه زری چهار پدال برای کشیدن چهار ورد و یک پدال برای عوض کردن کارت ژاکارد استفاده می شود . باپائین بردن هریک از پدالها به وسیله فشار پا گروه معینی از تارها بالا کشیده میشوند تا پود از آنها عبور کند.

ورد جوجه : نخ است که یک دسته تار از آن عبور می کند و برای طبقه بندی یا جدا کردن تارها بکار می رود. هر ورد جوجه به یک پدال متصل است . تارهای چله را به تناسب نقشه به زیر و رو می کشد تا با گذراندن نخ های رنگین پود، بافت و انداختن نقش صورت گیرد .تعداد وردها به تناسب نوع پارچه ای که بافته می شود متغیر است . پارچه های ساده باف دو ورد و پارچه های پُر نقش و نگار چون اطلسی و زری چهار ورد دارند . - ماکو : وسیله ای است از جنس چوب که دوسر آن برای سهولت در رفت و برگشت ، فلزی است . میان ماکو خالی است و ماسوره در آن قرار می گیرد .

-ماسوره : ابریشم های رنگین و گلابتون که به عنوان پود زری بکار می رود دور ماسوره پیچیده شده است و توسط یک میله فلزی داخل ماکو تعبیه می شود.

-مطیت : ماکو را روی پارچه ثابت نگه میدارد و از افتادن آن به روی زمین جلوگیری می کند . مطیت از دو قطعه چوب ، بند ، سوزن ، گیره و سوک تشکیل شده است . دو قطعه چوب مطیت روی هم قرار می گیرند و نسبت به هم حالت کشویی دارند . مطیت بر حاشیه پارچه بافته شده قرار دارد و پهنای آن چند میلی متر از پارچه بافته شده بیشتر است.

-دفتین : تشکیل شده است از دو قطعه چوب افقی که شانه را در میان گرفته است . شانه مفتولهایی است باریک از جنس نی صحرایی یا فلز که چله از بین آنها عبور کرده است پس از هر مرحله عبور ماکو از بین چله ها ( پوداندازی) یکبار با دفتین به پود ضربه زده می شود تا پود درون تارها مستحکم و منسجم شود.

-کارت نقش : سری کارت مقوایی و یک اندازه است که نقشه پارچه به وسیله پانچ کردن روی آن پیاده می شود .کارتها بر اساس نقشه درکنار هم و به ترتیب ، با نخ به یکدیگر متصل شده و درکنار ژاکارد قرار می گیرد . با پائین آمدن پدال و حرکت اهرم متصل به ژاکارد کارت هرج از نقش وارد جعبه ژاکارد می شود.

کلک : ابزاری خیش مانند و چوبی در دستگاه دستوری . انتهای یک سر کلک کج است و گوشواره کش برای نگه داشتن تارهای بالا کشیده شده از آن استفاده می کند . خرک : چوبی هم سطح کف دفتین است و نقش مهارکننده چله را دارد.

نی : فلزی است و برای جداکردن تار یا اصطلاحاً " چپ و راست کردن تار بکار می رود.



## نقشه:

یک واحد از نقش پارچه (واگیره) روی کاغذ شطرنجی پیاده می شود. واحد نقش طوری انتخاب می شود که قابلیت تکرار، برگشت و قرینه شدن را داشته باشد. برای هر رنگ موجود در یک رج نقش کارتی پانچ می شود. این عمل به وسیله دونفر انجام می شود یک نفر نقش را می خواند و دیگری آنرا روی مقوا پیاده می کند. روی دستگاه دستوری تا ۱۵ رنگ نقشه می بندند. قابلیت دستگاه ژاکاردی حداکثر ۱۰ الی ۱۲ رنگ نقشه است زیرا با ازدیاد رنگ، تعداد کارتها بیشتر شده و ژاکارد وزن بیشتری را متحمل می شود.



## بافت زری:

پارچه زری به هنگام بافت، پشت و رو بافته می شود. در واقع پشت پارچه مقابل دیدبافته قرار دارد. بافت ساده از نقش جداست. در بافت ساده ممکن است در هر رج چندین رنگ وجود داشته باشد. بافنده با فشار پدال وردی را که تارهای آن رنگ بدان متصل است، بالا می آورد و دهانه تارهای مربوط به آن رنگ باز می شود در این حالت دهانه سایر تارها بسته است. بافنده با عبور دادن ماکو از دهانه، پود را از میان تارها عبور می دهد. در قسمتهایی که نقش وجود دارد، بافنده با فشار پدال ژاکارد (یا گوشواره کشی) تارهای مربوط به آن نقش را بالا می کشد و با عبور ماکو نقش مربوطه را می بافت.

## مشاغل زیر در کارگاه زری بافی فعالیت دارند:

۱- استاد ماسوره پیچ

۲- استاد نقش انداز

۳- شاگرد استاد نقش انداز ( نقش خوان)

۴- استاد بافنده

۵- گوشواره کش

زری در انواع گوناگون بافته می شود که متداول ترین آنها زری دارایی - زری اطلسی - زری لُپه باف و زری پشت کلاف است.

زری دارایی : روی دستگاه دو دسته چله به صورت مجزا روی هم قرار می گیرند . دسته بالایی از نظر تعداد و تراکم تار کمتر از دسته پائینی است . به دسته بالایی اصطلاحاً " دارایی " و به دسته پائینی " اطلسی " گفته می شود.

دسته تار دارایی در نقش ژاکارد یا گوشواره کشی سهمی ندارد و تارهای اطلسی زمینه اجرای نقوش است ولی دسته تارهای دارایی که به وردها متصل است ، در مراحل بافت در میان تارهای اطلسی قرار گرفته و ایجاد انسجام می کند که به صورت بافت کج راه یا اریب قابل رویت است . ضخامت این پارچه بیشتر از انواع دیگر زری است.

زری اطلسی : برای بافتن آن تنها یک دسته تار روی دستگاه چله کشی می شود که وردها و شلیت ها (سیستم اجرای نقشه ) به آن متصل هستند و اجرای نقشه و انجسام پارچه را بر عهده دارند . اطلسی نازکتر از دارایی است.

زری پشت کلاف : در این نوع زری برخلاف انواع قبلی تمام سطح زمینه دارای نقش نیست و نقوش مجزا از هم ، روی زمینه ساده بافته می شوند . معمولاً " زمینه تراکم بافت نداشته و بسیار نازک است . پود های رنگی اضافی به هنگام بافت در فاصله بین دو نقش در پشت پارچه کشیده می شود که به پارچه گلدوزی شده شباهت پیدا می کند . در این نوع پارچه کمتر از الیاف گلابتون استفاده می شود ، زیرا مقدار زیادی از پود بدون استفاده در پشت کار قرار می گیرد که در ایجاد نقش حضوری ندارد.

زری لُپه باف : این نوع زری شباهت زیادی به زری پشت کلاف دارد ، با این تفاوت که پود های اضافی در پشت کار دیده نمی شود ولی زمینه معمولاً " ساده و بدون نقش است . شیوه بافت در این نوع زری با سایر بافته ها متفاوت است زیرا در آن ماسوره حامل پود رنگی فقط از لابلای تارهایی که نقش دار است عبور می کند و از تارهای زمینه کار که ساده است پودی



عبور نمی کند و طبعاً " قسمتهای نقش دار برجسته تراز زمینه پارچه است . به دلیل عدم استفاده از ماکو سرعت بافت کاهش خواهد یافت.

### گلابتون چیست ؟

گلابتون رشته‌ای سیمی بسیار نازک است که درون آن یک رشته نخ ابریشم قرار دارد و بر روی آن، لایه‌ای از زر (طلا) کشیده شده است. گلابتون دو نوع است:

گلابتون خارجی

گلابتون ایرانی

گلابتون خارجی از هند می‌آید و بسیار ظریف است. گلابتون ایرانی هم تنها در اصفهان ساخته می‌شود.



## رنگ‌ها و نقش‌ها :

نقوش پارچه‌های ساسانی در تناسب و هماهنگی طرح و رنگ به نهایت درجه هنری رسیده بود. ترکیبات نقوش ساسانی، برگرفته از مرغ و پرنندگان، جانوران و شکارگاه و سواران و طرح‌های تجریدی و انتزاعی بود. پس از ساسانیان، به علت حرمت بهره‌گیری از طلا برای مردان، مدتی نسبتاً "دراز، بافت پارچه‌های زربفت به تعویق افتاد تا اینکه بافتن پارچه‌های زربفت، در دوره سلجوقیان رونق یافت. در دوره‌های اسلامی، نقوش حیوانات و پرنندگان مانند شیر، عنقا و عقاب که زربفت شده‌اند و در متن پارچه‌ها، جلال و شکوهی داشتند از پیشرفت تکنیک پارچه بافی در عصر سلجوقیان است. طرح‌های شقایق و نیلوفر آبی نیز از عناصر تزئینی در بافت پارچه‌های این دوره است. در دوره‌های بعد، "تدریجاً" طرح‌های تازه‌ای به ابتکار طراحان و بافندگان ایران به منصفه ظهور رسید و در هویتی مستقل، دوره معتبر و اصیل نساجی صفویه را بنیان نهاد. اما پیش از آن یعنی در عصر مغول، سالهای فراموشی نساجی ایران بود و زری بافان از بیم مرگ، متواری شده و در خفا می‌زیستند. تزئین پارچه‌های یاد شده عبارت بود از اشکال انسانی، تصویر حیوانات و پرنندگان و گل و گیاه و گاهی نیز تصاویر داستان‌های رزمی و بزمی بر آن‌ها نقش بسته است. به لحاظ کیفیت طرح‌ها و نقش‌های به کار رفته در دوره‌های قبل و بعد از اسلام، هر دوره‌ای بیانگر اصالت فرهنگی و تاریخی زمان خویش است و همسانی و اتحاد کاملی با دیگر هنرهای آن روزگار دارد. به طور مثال، طرح‌هایی را که بر روی ظروف فلزی دوره ساسانی و سفالینه‌های آن زمان دیده می‌شود بر روی پارچه‌های آن زمان نیز می‌توان یافت و یا در دوره اسلامی، طرح‌هایی را که به شکل شکارگاه ترسیم می‌شده با همان شیوه و سبک می‌توان در پارچه‌ها رؤیت کرد.

## کاربرد پارچه‌های زربفت:

این پارچه‌ها، برای تن پوش پادشاهان، وزیران، بزرگان، درباریان به کار می‌رفت. همچنین به عنوان یک هدیه ارزشمند در دربار شاهان ایران برای هدیه دادن به شاهان بیگانه به حساب می‌آمد.



## بافندگان مشهور گذشته:

نساجان و بافندگان مشهور این عهد، عبارت بودند از:

غیاث

عبدالله بن غیاث

ابن محمد

معزالدین

ابن غیاث

عیسی عباسی

خواجه قیاس الدین علی نقشبند

حسن بن غیاث

یحیی بن غیاث

معز الدین غیاث

آبان محمد

محمد خان کاشی

علی خان کاشی

اسماعیل کاشی

## بافندگان مشهور امروز:

نام حدود پنجاه نفر از استادان بزرگ کارگاه زری‌بافی تهران از سال ۱۳۰۹ خورشیدی تا ۱۳۶۹.

حبیب الله طریقی

محمد طریقی

عباسعلی طریقی

عباس طریقی کاشانی

محمد فرزاد

محمد دهقانی

حسن درویش

سید عبدالله سلامی

سید مهدی آشفته

حبیب الله واقفی

محمد مفتخری‌نژاد

اسلام رحیمی

عباس نوایی مقدم

سید رحیم حسینی

عبدالله پورکاشانی

سید قدیر صفوی ساوجی

حسین سمنانی زاده

رضا الهامی

سید علی آشفته

فضل‌الله صدفی پور

رضا اشراقیان  
محمد اشراقی  
ذبیح‌الله احمدی  
علی جان عسکری  
یدالله معتمدی  
رضا رضایی جلفایی  
کریم خفایی‌پور  
رضا عشاق  
حسین رضایی  
تقی دارایی‌باف  
سیف‌الله مناجاتی کاشانی  
ماشاءالله عنایتی کاشانی  
سید حسین مژگانی  
سید مهدی مژگانی  
صمدعلی شکوه‌فر  
محمود محمودی  
محمد سلیمیان  
دلاور هاشملو  
عیسی هاشملو  
عباد هاشملو  
قربان ریوندی  
اصغر بهمن‌آبادی  
زینب حقیری

## زربفت چگونه به خارج رفت:

این پارچه‌ها از چند راه به غرب راه پیدا کرد. نخست همان راه تجارت و داد و ستد بود. دیگر راه هم جنگ‌های صلیبی بود که باعث شناخته شد. سپاهیان مسیحی در همین جنگ‌ها پارچه‌های ایرانی را از فلسطین با خود به اروپا بردند و این پارچه‌ها آنقدر در نظر آنها ارزشمند بود که اشیای گرانبه‌ای کلیسا را در آن می‌پاییدند. حتی برخی از مسیحیان از پارچه‌های زربفت به عنوان کفن استفاده می‌کردند. اروپاییان در آغاز نمی‌دانستند این پارچه‌های افسانه‌ای بافته‌ی کدام کشور است و تنها شنیده بودند که از شرق می‌آید. اما به مرور دریافتند اینها مربوط به سرزمین ایران و دوران ساسانی است. هیوان تسانگ که یک مسافر چینی است و در سال ۶۳۰ میلادی به ایران آمده بود، حدود ۲۵ گونه مختلف از پارچه‌های ایرانی را که دیده بود، خریداری کرده و با خود به چین برده بود.

## مهمترین مراکز بافت:

مشهورترین مراکز نساجی در دوره صفویه، شهرهای کاشان، اصفهان، یزد، هرات، تیریز، رشت، مشهد، قم، ساوه و... بوده است. اما بافندگان شهرهای کاشان، یزد و اصفهان در بافتن پارچه‌های نقش‌دار شهره آفاق بودند.

## پارچه‌های زربفت تاریخی:

قدیمی‌ترین زری از دوران صفوی، زری‌هایی است که چندین سال پیش در نزدیکی آرامگاه بی بی شهربانو در قبر یکی از بزرگان عهد سلجوقی پیدا شد و امروز قطعات مختلف آن در موزه‌های مختلف دنیا پخش شده است. باز از آن قدیم تر اطلاعی است که نویسندگان قرون ۲ و ۳ هجری به ما می‌دهند و آن این است که ایالات خوزستان، گیلان، استرآباد، طبرستان و خراسان هر کدام سالانه مقدار زیادی پارچه‌های ابریشمی و زری به صورت مالیات به دربار خلفای عباسی می‌فرستادند. این اطلاعات را پروفیسور پوپ جمع آوری کرده و در جلد دوم کتاب هنر ایران چاپ کرده است. در قرن ۳ و ۴ هجری، هنوز پارچه‌های زربفت ایران طبق اصول و سنن هنر ساسانی بافته می‌شد. نقش این پارچه‌های زری دو حیوان فرضی را نشان می‌دهد که در فردوس، برگهای درخت جاویدان را که در کنار آب حیات روئیده می‌خورند. در حدود ۱۲۰۰ سال پیش مسافران اروپایی این پارچه زربفت را به هنگام مسافرت به ایران به دست آورده و باقی مانده‌های صلیب مقدس را در آن پیچیده، همراه خود به کشور فرانسه برده و به کلیسای شهر نانسی در فرانسه هدیه کرده اند و امروز در همان کلیسا محفوظ است. در حدود ۱۲۰۰ سال قبل یک پارچه زربفت که یادگار هنر هخامنشی روی آن دیده می‌شود از ایران خریداری شده و برای پوشانیدن روی قبر یکی از مقدسین کلیسای شهر «سانس» در فرانسه به کار برده شده و امروز در همان کلیسا محفوظ می‌باشد. نظایر این نقش هنوز روی چادر شبهای قاسم آباد و روی گلیم‌های بافته شده در نقاط مختلف ایران دیده می‌شود. از آن قدیم‌تر اطلاعی است که ما از زری‌های ایران داریم، و آن نقوش برجسته طاق بستان است که

شاه را با لباسهای زربفت و زیبا، در دامنه کوه نشان می دهد، این نقوش متعلق به عهد ساسانی است. بعلاوه از دوره ساسانیان در کلیساها و موزه‌های خارج از ایران، نمونه‌ای متعدد زری موجود است. زیرا زری‌های دوره ساسانیان به قدری مورد توجه بود، که از تمام نقاط دنیا خواستار آن بودند و وقتی کسی به ایران مسافرت می‌کرد، بهترین هدیه ای که می توانست به میهن خود ببرد یک قطعه زری بود و به این طریق مثلاً باقی مانده‌های صلیب مسیح را صلیبیون در زری‌های ایرانی می‌پیچیدند و به همراه خود به اروپا می‌بردند. در موزه کاخ کرملین در مسکو، چند قطعه لباس از زری ایران به چشم می‌خورد که در زمان صفویه در ایران بافته شده و به مسکو فرستاده شده. این زریها برای لباس تزارها و درباریان مسکو یا برای کشیشان و روحانیان به کار رفته شده است. به همین طریق در موزه ارمیتاژ در لنینگراد، قطعاتی از زری های عهد ساسانی و صفوی موجود است. در موزه استکهلم نیز اباده‌ای از عهد صفویه موجود است که معلوم نیست به چه طریق به آن محل رفته. در زمان شاه عباس دوم، بافت پارچه‌های ارزشمند زربفت و مخمل زری، بادقت و مهارت ادامه داشت و باقطعاتی از آنها نام بافنده آن که «غیاث» بود نقش بسته است. در موزه متروپولیتن دو قطعه کوچک پارچه ابریشمی تاریخدار، از زمان شاه عباس موجود است که روی آنها نام بافنده شاه حسین و تاریخ ۱۰۰۸ قمری (۱۵۸۸ م) نقش بسته است. مثلاً در موزه «کوپریونیون» دو قطعه پارچه ابریشمی را می‌بینیم که روی آنها، منظره‌ای از داستان لیلی و مجنون دیده می‌شود.

### وضعیت امروزی پارچه‌های زربفت:

ایران قرن ها تولید کننده اصلی پارچه های زری برای دربارها و کلیساهای جهان، از لندن تا توکیو بوده است. پارچه های زربفت ایرانی در موزه های بزرگ جهان جای دارد و می طلبد توجه خاصی به این هنر داشته باشیم و ارزش بیشتری برای آن قایل شویم، چرا که بی توجه بودن به این امر مهم منجر به نابودی محض این رشته می شود. هنر زری باقی در حال حاضر در ایران در بدترین شرایط خویش در طول تاریخ دو هزار ساله آن است. اگر فقط بخواهیم تعداد دستگاه های بافت پارچه های زری را با دوره های قبل، مثلاً دوره صفویه مقایسه کنیم، متوجه این فرق فاحش و تأسف بار می شویم. اکنون نه تنها قدر و منزلت این هنر را کسی نمی‌داند، بلکه عدم توجه ما، به نابودی این هنر با ارزش دامن می زند. این هنر پر ارزش اکنون مهجور و مظلوم واقع شده، ولی در دوره های گذشته هم پایه نگارگری، قلم زنی، سفال و... صاحب ارزش بوده و به آن پرداخته می شده است. اکنون کمتر کسی پیدا می شود که سختی های این کار را برای آموزش به جان بخرد. آکادمیک نبودن، نبود دسترسی به مواد اولیه مرغوب، منتقل نشدن هنر اساتید، حجیم بودن دستگاه نساجی، و عدم حمایت دولت همگی دست به دست هم داده اند برای اضمحلال این هنر کهن.



## هنر پته دوزی:

کلمه پته از ریشه کلمه پُت به معنای پشم نازک و لطیفی است که لا به لای موی بدن بز می روید. در لغت نامه ی دهخدا این چنین نوشته شده است: ” پُت: پشم نرمی که از بن موی بز می روید و آن را به شانه بر آورند و از آن شال بافند.”

### پته چیست؟

پته پارچه ای است پشمی که اصطلاحاً شال یا عریض خوانده می شود. که به کمک سوزن و با استفاده از نخ های پشمی رنگین، کرک یا ابریشم روی آن نقوشی زیبا دوخته می شود. در رنگرزی ریس های پشمی از رنگ های طبیعی حیوانی و گیاهی استفاده می شود. رنگ های حیوانی از صدف و قرمزدانه گرفته می شود و رنگ های گیاهی از روناس، نیل، پوست، گردو، گلرنگ، الزاره، چوب-های زرد،

.....

شال یا عریض که بر روی آن رودوزی انجام می وشد معمولاً به رنگ های سفید، سیاه و عنابی است. عریض در گذشته با دستگاه ای بافت دستی تهیه می شد اما امروز به کمک دستگاه های برقی بافته می شود. به گفته کارشناسان مرکز صنایع دستی کرمان مرغوب ترین نوع پتهف پته ای است که دوخت آن روی شال سفید یا سیاه باشد.

به گفته ی آنان شال سفید از این جهت مرغوب است که رنگ آن نور را منعکس می کند و باعث خستگی چشم می شود از این رو دوخت به کندی پیش می رود؛ از طرفی باید از نخ های مرغوب استفاده شود تا نخ رنگ ندهد. و همچنین نواقص دوخت روی شال سفید بیشتر خود را نشان می دهند بدین منظور دوزنده باید ظرافت و سلیقه زیادی را صرف کار خود کند. از دیگر ملزومات مرغوبیت پته بخیه های دوخت است. هرچه گره ها یا به اصطلاح بخیه ها به هم نزدیک تر و متراکم تر باشند پته مرغوبیت بالاتری دارد.

## تاریخچه پته دوزی:

از آن جا که پته دوزی هنر دست دختران و زنان خانه بوده است و از آن، به منظور زینت بخشیدن به منازل خود استفاده می کردند، دوره ی رسمی خاصی را نمی توان به عنوان زمان پیدایش آن عنوان کرد. اما به گواه می توان گفت که خاستگاه آن شهر های استان کرمان نظیر کرمان، سیرجان و رفسنجان هستند. به هر روی تنها نسخه ی قدیمی ثبت شده ای که در آن از پته دوزی یاد شده است مربوط به سفرنامه ی شاردن در عهد صفوی است. پته را گاهی پته نادری نیز می گویند زیرا پته دوزی در زمان نادرشاه رواج زیادی داشت و همچنین خود او لباس هایی با رودوزی های پته به تن می کرد و هدایایی که به اشراف می داد نیز از همین نوع لباس ها بودند.

یکی از قدیمی ترین پته های موجود که تصویر آن در دسترس است، روپوش مقبره شاه نعمت الله ولی در ماهان کرمان است که گفته می شود در مدت ۲ سال به دست شانزده زن به ابعاد ۳۵۵ سانتی متر در ۲۱۰ سانتی متر دوخته شده است. اما بقیه پته دوزی فرج الله کرمانی که دارای تاریخ ثبت شده بر روی اثر است، سال ۱۲۸۰ را نشان می دهد.

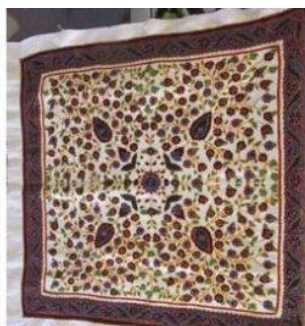


پته مقبره شاه نعمت الله ولی . ماهان کرمان

## نقوش پته دوزی:

به عقیده برخی نقوشی که بر پته ها دوخته می شود ریشه در افسانه ها و اساطیر دارد؛ برخی آن را نشانه ای رمزگونه به معنای شعله آتشکده های زرتشتی و یا تمثیل گلابی، بادام و درخت هندی می دانند؛ اما برخی دیگر این عقاید را رد می کنند و می گویند پته تمثیل سرو است، سروی که از یار جدا مانده و خم شده است.

نقوش پته به دوسته تقسیم می شوند: نقوش بوته ای مانند بوته جقه، لچک ترنج، سرو، بوته میری، افشان و ترمه ای و دسته ی دوم نقوش درختی مانند ترنجداری، سروی، گلدانی، جانوری و پرنده ای که به اصطلاح آن را درخت زندگی گویند.



پته با طرح درخت زندگی - سرو و بوته جقه - شکوفه ای

## کاربرد های پته دوزی:

از آن جا که پته یکی از رودوزی های بسیار زیبای ایرانی می باشد نقش مهمی در زینبت بخشیدن به منازل دارد که صاحبان آن علاقه مند به هنر های سنتی ایرانی هستند. پته به عنوان یک رودوزی که در سایز های مختلفی دوخته می شود کاربردهای زیادی می تواند داشته باشد. مثلا به عنوان پرده و رو تختی، پوشش کوسن و تازبالش، سجاده، بقچه، رومیزی و همچنین به صورت تابلوی دیواری در قاب می تواند زیبایی منزل را دو چندان کند.



## اساتید برجسته پته دوزی:

از آن جا که اکثر هنر های رودوزی و بافندگی را بانوان در پستوی منازل خود رونق می بخشیدند هیچ گاه نامی از آن ها بر صفحه ای ثبت نشده است؛ و اگر نامی از هنرمندی در این زمینه جایی ثبت شده است نام های مردانی است که به این هنر اشتغال داشته اند. به عنوان مثال استاد فرج الله کرمانی که بقچه ی پته دوزی او که مربوط به سال ۱۲۸۰ است از قدیمی ترین و زیباترین پته هاست. متأسفانه در این عرصه هنرمندان گمنام بسیار فراوانند.

## کاخ موزه سبز و پارچه های سنتی :

کاخ موزه سبز اولین بنای دوره پهلوی است که در دل خود انواع هنرهای ایرانی شامل قالی بافی / منبت / خاتم و تذهیب را جای داده است یکی از هنرهای که در دوره پهلوی اول زینت بخش این کاخ بوده است پرده های از پارچه های زر باف و پته دوزی بوده که در مرمت و بازسازی سال ۱۳۵۰ و تغییر دکوراسیون به سبک اروپایی توسط محمدرضا شاه با پرده های از جنس مخمل / نقره و ابریشم تعویض می گردد و پرده های قدیمی حفظ می گردد که اکنون در مخزن موزه نگهداری می شوند و زیبایی آن غیر قابل وصف است . این پرده ها در نمایشگاههای دوره ای برگزار شده از سوی کاخ سبز در معرض دید عموم قرار میگیرد .



پرده زری باف نصب شده در دوره پهلوی اول کاخ موزه سبز



پرده پته دوزی شده موزه سبز دوره پهلوی اول

## منابع:

- ۱- امیری، عفت و معصومه امیری، "تاریخچه پارچه بافی در ایران باستان"، رشد آموزش تاریخ، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳۱.
- ۲- برزین، پروین. "پارچه‌های قدیم ایران". دوره ۵، ش ۵۹ شهریور ۱۳۴۶.
- ۳- مژگانی، سید حسین؛ گل‌های ابریشمی، ۱۳۷۸، انتشارات سروش
- ۴- فرهنگ معین، جلد دوم
- ۵- سیری در صنایع دستی ایران؛ ۱۹۷۷ میلادی، انتشارات (Jay Gluck) جی گلوک بانک ملی
- ۶- نگاهی حسرت بار به تاریخچه بافت پارچه در ایران  
پایگاه خبری هنر ایران  
(بانک اطلاعات فرش و دستبافته های ایران)  
<http://www.carpetour.com/>-۷
- ۸- خبرنگارنامه فرهنگستان هنر